

عصر علم

فصلنامه علمی دانشجویی عصر

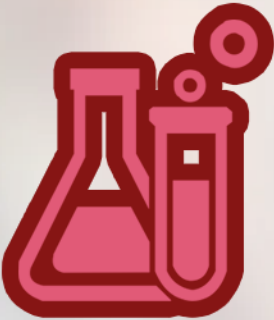
سال ششم | شماره دوازدهم | بهار ۱۴۰۲
قیمت: ۴۵۰۰ تومان

زن، سنت و تجدد

تبیین مؤلفه‌های احیای سبک زندگی فاطمی

ماهیت جنبش «زن، زندگی، آزادی» با نگاهی

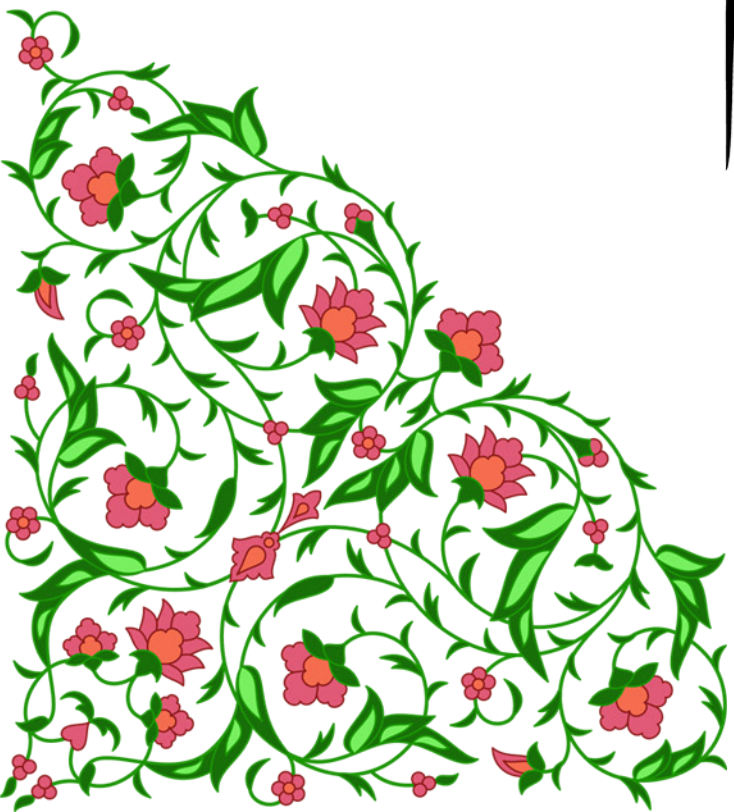
به سنت ناصواب استبدال ادنی به خیر



زیست عقیقانه زن در عصر مدرن



الله أكبر
الحم





سائسام

انجمن علمی الهیات

۶۱۸ / ک ن ش

سیده محبوبه کشفی

حمید ایماندار

سیده محبوبه کشفی

زهرا شمشیری

حسن پوردرویش

امیدرضا انصاری جابری

سیده محبوبه کشفی

سیده محبوبه کشفی

دکتر حمید ایماندار، دکتر منصوره رحمانی،

دکتر قاسم کاکایی، دکتر محمد مهدی آجیلین،

دکتر محمد باقر عباسی، دکتر زهرا قاسم نژاد،

دکتر علی اکبر کلانتری، دکتر محمدجواد سلیمانپور،

دکتر مجتبی جاویدی، دکتر صبورا حاج علی اورک پور

دکتر حمید ایماندار

asr.nashrieh329@gmail.com

۰۹۱۷۸۱۴۴۹۲۷

صاحب امتیاز

شماره مجوز

مدیر مسئول و سردبیر

هیأت تحریریه

گرافیسٹ و صفحہ آرا

ویراستار

هیأت داوران

استاد مشاور

راه های ارتباط با نشریه

فهرست

۵	در محضر قرآن
۶	شرایط پذیرش مقالات
۷	سخن سردبیر
۸	زن، سنت و تجدد
۱۱	ماهیت جنبش (زن، زندگی، آزادی) با نگاهی به سنت ناصواب استبدال آذنی به خیر
۱۳	تبیین برخی مؤلفه‌های سبک زندگی فاطمی
۱۸	رسالت زن در تحقق تمدن، فقه اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره)
۲۲	بی‌نمازی نسل جدید؛ واقعیت یا توهم؟ دارو درمانی یا جراحی فوری؟
۲۶	مصاحبه
۲۸	معرفی کتاب
۲۹	شعر



محصران

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ
بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (روم / ۲۱)

و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای
شما آفرید تا بدانها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت
نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند
قطعاً نشانه‌هایی است.



شرایط پذیرش مقالات

نویسندگان محترم و همراهان نشریه عصر، به منظور بهبود مراحل دریافت و انتشار متن‌ها به نکات ذیل توجه فرمایید؛

هر مقاله حدود ۷ الی ۱۰ صفحه کاغذ A۴ باشد.

کلیدواژه‌گان (۵ تا ۷ واژه) پس از چکیده قرار گیرد.

نوشته‌ها با نرم افزار Word ۲۰۱۳ یا Word ۲۰۱۰ و فونت B Lotus و اندازه‌ی ۱۲ از طریق راه‌های ارتباطی مذکور در صفحه شناسنامه ارسال شود.

مشخصات نویسنده یا نویسندگان از جمله نام و نام خانوادگی، پست الکترونیکی و عکس ارسال شود.

فایل‌های خود را به دو صورت Word و PDF جهت جلوگیری از اتصال حروف، ارسال شود.

از همکاری و حسن توجه شما مخاطبان محترم بسیار سپاسگزاریم.

سخن سردیر

زیست عقیفانه مسیری برای تعالی جامعه

زندگی در دنیای مدرن امروزی با چالش‌ها و شبهات متعددی مواجه است که این امر گاه موجب تزلزل اعتقادی افراد و بی‌انگیزگی آنان می‌شود. متأسفانه، دشمن با سوء استفاده از ناآگاهی و یا کم‌آگاهی عوام سعی در صحیح جلوه دادن نادرستی‌ها و زیبا کردن زشتی‌ها دارد. افراد جامعه برای تعالی و رشد جامعه باید نسبت به اهداف و ابزار دشمن آگاه باشند. یکی از اهداف امروزی دشمن در جهت تضعیف جامعه اسلامی، تضعیف مقام زن و استفاده ابزاری از آن است که با ترویج ناهنجاری‌های اخلاقی (بی‌حیایی و بی‌عفتی) و القای آن به دختران جوان، سعی در تحقق اهداف شوم خود دارند. این امر مخالف با فطرت زنان است که خداوند متعال در سوره‌های نور و احزاب بدین مهم تذکر داده است و زنان را به حفظ حیا و زیست عقیفانه ترغیب می‌کند تا خود و جامعه را در سلامت روان حفظ کنند.

این شماره از نشریه با محوریت موضوع «زیست عقیفانه در عصر مدرن» در اختیار شما خوانندگان محترم قرار خواهد گرفت تا بدین طریق سهم کوچکی در آگاه‌بخشی نسبت به ضرورت این مهم در جامعه اسلامی داشته باشیم. در این جا بر خود لازم می‌دانم که از تمامی اساتید محترم، اعضای هیأت تحریریه نشریه و دانشجویان محترمی که با ارسال مطالب خود در قالب مقالات علمی، یادداشت، مصاحبه و معرفی کتاب بر غنای نشریه افزودند؛ تشکر و قدردانی نمایم. امید آن است که با مطرح کردن این موضوع، قدمی در آگاه‌بخشی نسبت به اقتدار ماندگار جمهوری اسلامی برای همه‌ی مخاطبان و دانشجویان فراهم شود.



سیده محبوبه کشفی
مدیر مسئول و سردبیر نشریه

زن، سنت و محدود

آن، همواره در اعمال قدرت و مجرای اصلی سیاست جامعه مدنی، حکومتی و حیطه‌های مختلف علمی، نظامی و ... غلبه و کنترل این امور به عهده‌ی جنس مذکر بوده است و زنان نقش بسزایی در امور جاری نداشته‌اند. زن‌ها در تمدن‌های مسیحی و اروپایی نیز محکوم به رسالت فرزندآوری برای استمرار وراثت و انتقال قدرت به اولاد ذکور بودند که ناموفقین در این امر با چالش‌های جدی مواجه بودند.



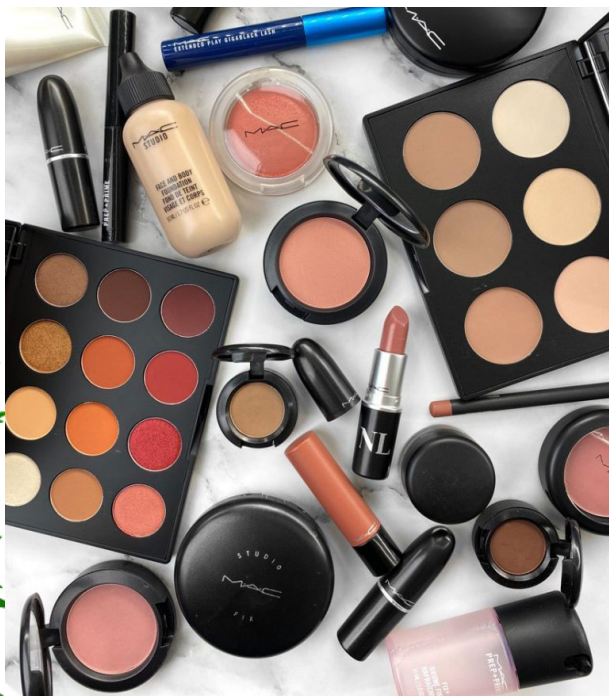
با گذشت قرون متمادی و اولین تمدن‌های بشری، همچنان مسئله‌ی زن و جایگاهش در جهان از جمله مباحث بحث برانگیز و گاهی جنجالی است، که همیشه می‌تواند محل تامل و تنبیه فزاینده‌ای باشد. در دوران معاصر، اندیشمندان بسیاری در فرهنگ ما از شهید مطهری تا آیه الله جوادی آملی به این مقوله پرداختند که به نوبه‌ی خود ارزشمند و قابل استفاده است.

سوالی که باید بدان جدی اندیشید، آن است که آیا با توجه به تاثیرات متنوع و مختلف مدرنیته و قطع بسیاری از تعلقات سنتی به واسطه مواجهه با جهان تجدد از مشروطه تا کنون، باز هم می‌توان به جایگاه سنتی زن به مثابه‌ی عنصری پایا و تغییرناپذیر اندیشید؟ یا اینکه هویت و جایگاه زن با بازیابی و تحولاتی روبه‌رو شده است، که به طور کامل متعلق به مناسبات فکری، سیاسی و اجتماعی گذشته نیست؟

از ابتدای خلقت و به تبع آن نخستین تمدن‌های بشری، زن نقشی تکمیلی و کمکرسان را برای جفت خود ایفا کرده است، این امر در متون مقدس مانند سفر پیدایش و دیگر اسناد تاریخی از جوامع گذشته بشری انعکاس می‌یابد. در تمدن‌های کهن چین، مصر، یونان، روم و ایران احتمالاً به دلیل تفاوت‌های این دو جنس و ماهیت قدرت و مناسبات سیاسی

با ظهور اسلام تغییرات بسیاری در زمینه‌ی نقش‌آفرینی بانوان رخ داد. با مقایسه عصر اسلام و زمان جاهلیت می‌توان به عمق این تفاوت پی‌برد. زن در زمان عرب جاهلی، نهایت نقش اجتماعی‌اش در شعر خوانی و تهییج جنسی لشکریان مبارز اعراب خلاصه می‌شد، که اسلام در این امور تحولی بنیادین ایجاد کرد. اسلام با گسترش تعلیمات و مبان‌ی خود با بسیاری از کلیشه‌های رایج و کهنه مبارزه کرد و با ایجاد چتر حقوقی مناسب با فطرت و حامیان خود از جایگاه زن دفاع کرد. در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی نیز شاهد بانویی مانند حضرت خدیجه (ع) هستیم که وجودش جزء ارکان اصلی پیشبرد انقلاب پیامبر (ص) است. شخصیت‌هایی مانند حضرت فاطمه زهرا (ع)، حضرت زینب کبری (ع) و حضرت سمیه (ع) از جمله شخصیت‌های مبارز و سیاسی هستند که تحت تعالیم اسلام رشد نموده که به نوع خود کم نظیرند. البته سنگ بنایی که اسلام در این

بالذات سرمایه‌داری است و ارتباط آن با این نوع نگاه مشهود است.



در یکی از بزرگترین صناعت‌های رسانه‌ای غرب (هالیوود) می‌توان شواهد این ادعا را دنبال کرد؛ بازیگران زن تا زمانی از ارزش نسبی، محبوبیت قابل قبول و پول‌ساز بهره‌مندند که ظاهر زیبا و طراوت جنسی‌شان حفظ شود و با گذشتن این دوره و قدم گذاشتن در دروان میان‌سالی، ستاره بخت آنان نیز رو به افول گذاشته خواهد شد.

در تاریخ ایران بعد از مشروطه هرچند که زن‌ها نیز حضور عمومی در سیاست دارند و در اعتراضات مشروطه خواهانانه شرکت به عمل می‌آورند، اما هنوز از نقش ایده‌آل متناسب با عصر خود بهره‌مند نیستند.

گفته شد که نقش زن در جهان غرب دو جنبه رشد و تضعیف داشت؛ در دوران پهلوی و مدرنیزاسیون اجباری ایران بدون در نظر گرفتن پیشینه‌ی تاریخی سنتی مردم ایران، تلاش‌هایی برای بیرون کشیدن زن از جایگاه حقیقی و سنتی خود صورت گرفت که البته با مقاومت قاطبه‌ی زنان مواجه شد. زیرا، این تغییرات از جمله

خصوص نهاد، با گذر تاریخ جهان اسلام و بر سرکار آمدن حکومت‌های گسسته از سنت اسلامی، به فراموشی سپرده شد. و خلفای اموی-عباسی با رجوع به سنت‌های پیشااسلامی و تحت تاثیر حکومت‌های مجاور خود باری دیگر در ساحت سیاسی خود، زنان را به نقش جمعیت تشکیل دهنده‌ی حرمسرا تنزل دادند و در ساحت اجتماعی نیز به زنان و نقش آنان وقعی نگذاشتند.

با ظهور عصر رنسانس در اروپا و تلاش برای تجدید عهد با ارزش‌های اصیل انسانی، عهد باستان یونانی رومی و در نهایت ختم رنسانس به عصر مدرن و تجدد، تحولات گسترده‌ای در حیطه‌ی فرهنگ، هنر، معماری، حقوق، علم و نگاه جنسیتی رخ داد. در تحولات رنسانس شاهد ظهور شخصیت‌های مبارزی مثل ژان دارک -قهرمان زن ملی فرانسه- در سیاست ملکه ویکتوریای قدرتمند، در ادبیات ویرجینیا ولف، زلدا فیتزجرالد، گروتد استاین در زمینه‌ی علمی ماری کوری و در زمینه امور نظامی در جنگ جهانی دوم شاهد زن‌هایی مسلح، جنگجو و بی‌سابقه هستیم. جنبش فمینیسم هم در راستای

تثبیت حقوق و جایگاه زنان شکل گرفته است، هرچند در مواردی راه را به افراط کشیده و در مبارزه با خود و فطرت حقیقی زن قرار گرفته است (که نقد آن در این مقال نمی‌گنجد).

باید اذعان داشت و فراموش نکرد که تمامی اتفاقات مدرنیته در جهت رشد جایگاه زن رقم نخورده است و بحران‌های عدیده‌ای با ظهور و گسترش سرمایه‌داری و تبلیغات مصرفی بر پایه‌ی جذابیت‌های جنسی زن، صنعت مدلینگ و فشن، صنعت وسیع هرزه‌نگاری که همه بر نگاهی ابزارگونه و اوبزکتیو جنسی نهاده شدند، گریبان هویت ارزش زن را در غرب گرفته است. این نوع نگاه، تزریق شده توسط سیستم سرمایه‌داری است که به گسترش و مصرف بالای لوازم آرایشی، عمل‌های زیبایی، فروش لباس و دیگر امور تجاری انجامیده که از لوازم

خواننده بود که در جهت احقاق حق خود مبارزه می کنند!

باید گفت صرف نظر از تعیین مصداق سوژه‌ی مدرن به این جریانات، بدون سنت نمی‌توان اندیشید، گسست از سنت قرون گذشته با آن همه مبانی و مآثر تاریخی می‌تواند به ضرر جامعه و کشورمان باشد. وقتی گم‌گشتگی هویت در غرب برای زن چنین بحران‌انگیز است، برای ما که هنوز تعلقات سنتی در جانمان وجود دارد به طریق اولی موجب بحران جامعه و بسط نیهیلیسم خواهد بود. در نهایت باید گفت آیا می‌توان تعادل این دو ساحت هویتی (سنتی، ملی، اسلامی - مدرنیسم) را حفظ کرد؟

آیا انتخاب در پیش روی ماست که لوازم و تجلیات هر کدام را که نیک شمردیم، برگزینیم و آنان که مطلوب‌مان نیست را طرد کنیم؟ در پاسخ دادن بدین سوالات، می‌توان تامل کرد و بدیهی است که در مواجهه‌مان با جایگاه زن و نقش آن در جهان‌مان، تنها تفکر است که راه‌گشا است. اگر تمامی امکانات ما در مواجهه با امری زائل شود، هنوز آن‌چه می‌تواند تا حد قابل اعتنایی چاره‌گشا باشد، تفکر است.



امیدرضا انصاری جابری
دانشجوی کارشناسی ارشد
رشته فلسفه و کلام اسلامی
دانشگاه شیراز

کشف حجاب و دیگر مسائل با روحیه، تفکر و زیست تاریخی مردم مطابقت نداشت و در نهایت منجر به انقلاب اسلامی شد.

انقلاب اسلامی با تمامی جنبه‌های دینی، سنتی و ملی خود به نظر می‌رسد که پدیده‌ای مدرن است. تحولات اتفاق افتاده در انقلاب و نقش‌دهی به زن‌ها متأثر از تعالیم اسلام است و البته نقش جهان مدرن نیز در آن غیر قابل انکار است، نه می‌توان این امور را به تمامه سنتی دانست - زیرا حضور گسترده زن‌ها در تشکلات سیاسی انقلابی و حتی فعالیت مسلحانه زن‌ها و ... در طول تاریخ کشورمان اتفاق نیفتاده است - و نه به تمامه مدرن و گسسته از سنت دانست - زیرا داعیه‌های سنتی و دینی دارد. انقلاب اسلامی با مشارکت زن‌ها در انتخابات متعدد، مشارکت آن‌ها در تعیین سرنوشت کشور، حضور تاثیرگذار آنان در جنگ تحمیلی، اعطا مسئولیت‌های اجتماعی و مدیریتی و مشاغل مختلف به زن، اتفاقی منحصر به فرد است. اینک باید به سوالاتی اندیشید؛ عوامل فاصله گرفتن و جداسازی زن از هویتی که بعد از انقلاب اسلامی بدان دست یافته، چیست؟ این فاصله‌گیری چه آسیب‌های بالقوه‌ای می‌تواند



برای ما داشته باشد؟ در اتفاقات اخیر کشور، باید به طور جد در مورد حجاب به تامل نشست. یکی از اهل علم کشور، متعرضان را سوژه‌های مدرنی

ماهیت جنس «زن، زندگی، آزادی»

باکامی به سنت ناصواب استبدال ادنی به خیر

دین ستیز به نحو تصاعدی و غیرواقعی پر رنگ شده و دست‌مایه فتنه‌انگیزی جریان اباحی‌گری قرار گرفته است.

نکته مهم در توجه به شاه کلید تقابل با کار رسانه‌ای شیطان صفتانه ضد انقلاب است که به تعبیر قرآنی و در لسان علوی با بوق‌های رسانه‌ای، پیاده و سواره نظامش در لانه‌های دل افراد تخم‌ریزی نموده تا جایی که شیطان با چشم‌شان می‌نگرد و با زبان‌شان تکلم می‌نماید؛ شاه کلید ابطال مستمر شبهات - ولو پر حجم و تکراری - نباید به بهانه دم دستی بودن، تکراری بودن شبهات و بداهت باطل بودن پاره‌ای گزاره‌ها، از تکرار پاسخ‌های به صورت پر بسامد و در قالب‌های مختلف شانه خالی نمود.

از جمله مهم‌ترین این آسیب‌ها، صواب جلوه دادن امر مدرن و دستاوردهای عقیم و ناپایدار مدرنیته است؛ این‌که آزادی قطعا خوب است اما بدون لحاظ محدوده و آفات لا محاله و غایت فراسوی آن. و یا این‌که بی‌حجابی قطعا خیر است و حق؛ با مفروض گرفتن یقینی خیریت و احقیقت فردگرایی لیبرال. و این‌که دموکراسی قطعا بر همه انواع حکمرانی از جمله مردم‌سالاری دینی ارجحیت دارد، صرف این‌که امری است نوپدید، مامول و مطلوب ذهنیت جاری و مستظهر به اتوریته مدرنیته.

از منظر اندیشه دینی و قرآنی، این ذهنیت

بی‌تردید اغتشاشات خیابانی در پرتو شعار «زن، زندگی، آزادی» باید با رویکرد ترکیبی تحلیل شود و سهم هر یک از ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، رسانه‌ای، فرهنگی و معرفتی به دیده عدالت و علمیت تبیین و آسیب‌شناسی صورت گرفته و مبنای حکمرانی حاکمیت قرار گیرد. در این میان تردیدی در سویه‌های معرفتی این جریان و نقش آن در توهم‌آفرینی سردمداران و به تبع آن موج احساسات غیر عقلانی جریان عوام‌زده نیست؛ آسیب‌های معرفتی که در پرتو



کار رسانه‌ای سنگین و ظالمانه ضد انقلاب و

مشتتهیات فراروی از مصالح واقعی، تبدیل امر خیر به امر پست و شر را موجب خواهد شد و نوعی سبک زندگی غیرواقع بینانه و غیرعقلانه را رقم خواهد زد. آزادی بی حجابی و دموکراسی چون نوپدیدند و مورد اقبال فضای عمومی جهانی، دلیلی عقلانی برای کنار گذاشتن خیرهایی چون آزادی غایتمند و معنوی؛ حجاب امنیت آفرین و مردم سالاری دینی سعادت بخش نیستند.

بسط و ترویج این اندیشه قرآنی با زبانی همه فهم و کاملاً عقلانی، نگاه آحاد جامعه را به فراروی از عوام زدگی و ساده اندیشی خواهد گشود. همچنان که به درستی در برخی برنامه‌های رسانه ملی همچون «پاورقی» و «سندباد» اثرات محسوس و عمیق تطبیق این نگاه و راهبرد قرآنی را شاهد هستیم.

«وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسَهَا وَبَصَلَهَا قَالَ أَمْ أَبْتَدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مِمَّا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلِيلَةُ وَالْمَسْكِينَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بَأْنَهُمْ كَانُوا يُكْفَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّنَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ» (بقره/ ۶۱)



دکتر حمید ایماندار
عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

دقیقا همان مانعی است که عدم تمهید آن، موجبات اضلال مردم و غضب الهی را فراهم خواهد آورد. بنابراین، تلاش برای تبیین خطای ذهنیت شایع ارجحیت، احقیقت و خیریت امر نوپدید بر امر قدیم؛ کوششی معرفتی و مبتنی بر اندیشه قرآنی در اصلاح گری و بصیرت افزایی اجتماعی است.

قوم بنی اسرائیل بر اساس آیه ۶۱ سوره بقره، تنوع طلبی و تجربه گرایی مفرط مشتتهیات نفسانیه را اصل قرار داده و بر مطلوبیت آن مصر بودند، اما پاسخ این بود که این سبک از زندگی مصداق استبدال ادنی به خیر و در نهایت خلاف مصلحت دنیوی و اخروی بوده است و غضب الهی و مسکنت این جهانی را در پی خواهد داشت و مصداق بارز عصیان گری و تجاوزگری از حدود الهی خواهد بود. بنابراین، این برداشت از آیه شریفه ۶۱ سوره بقره و تحذیر جامعه از تبدیل خیر قدیم به امر ادنی و پست نوپدید می تواند مبنایی اصیل در بصیرت افزایی اجتماعی قرار گیرد. تنوع طلبی و میل مفرط به تجربه گرایی



مبیین برخی مؤلفه‌های سبک زندگی فاطمی

چکیده

با بررسی منقولات در دسترس از سبک زندگی حضرت زهرا (ع) پیرامون مسائل اخلاقی-اسلامی می‌توان به الگویی جامع و مناسب برای افراد جامعه با مناصب اجتماعی متفاوت دست یافت. اجرای الگوی مبتنی بر تعالیم فاطمی می‌تواند بر بهبود عملکرد اعضای جامعه و اثرگذاری مطلوب بر جامعه و خانواده نقش به‌سزایی داشته باشد. پژوهش حاضر برآن است با روش توصیفی-تحلیلی در سیره عملی حضرت زهرا (ع) به طرح برخی از ارزش‌های اسلامی از بعد اعتقادی و اخلاقی بپردازد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که حضرت زهرا (ع) با باور توحیدی، ایثار، تعهد و مسئولیت‌پذیری و رعایت عفاف و حیا الگویی کامل برای هر فردی از جامعه در جهت بهبود زندگی و شرایط جامعه هستند.

کلمات کلیدی: حضرت زهرا (ع)، توحید، حیا، مسئولیت‌پذیری، ایثار.



مقدمه

در دین مبین اسلام و آموزه‌های آن، توصیه‌هایی کارآمد و متعدد در تمامی ابعاد آمده است. آگاهی از سیره و منقولات معصومین (علیهم‌السلام) در برخورد های فردی و اجتماعی می‌تواند ما را در پیشبرد جامعه اسلامی سالم و مطلوب موفق بدارد. همچنین آگاهی به مضامین و معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) افزون بر نقش پیشگیرانه، عاملی مهم برای الگوسازی و عملی کردن رهنمون‌های ایشان نیز باشد. بدین ترتیب، سعی بر آن است که با استناد بر گزارش‌های موثق به طرح برخی ارزش‌های اسلامی در سیره عملی حضرت زهرا (علیها‌السلام) پرداخته شود.

دلیل قابلیت الگوسازی تعالیم اسلامی و فرازمانی بودن آن، تطابق تعالیم با فطرت است. معیارهای اخلاقی در دستورات اسلام منطبق با فطرت است، بنابراین می‌بایست در تمامی عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... رعایت شود (ایروانی، ۱۳۸۷، ص ۵۲۷-۵۲۸). از آن‌جا که تمامی آموزه‌های اسلامی مطابق با فطرت فرد است، بنابراین اجرای تعالیم در بهبود حال روانی فرد، آرامش و پیشگیری از خطا بسیار تاثیرگذار است. الگو قرار دادن سیره‌ی قولی و عملی معصومین (علیهم‌السلام) از جمله کارآمدترین راه برون رفت از لغزش و خطا در هر عرصه‌ای است.

سبک زندگی ائمه معصومین (علیهم‌السلام) سزاوارترین الگو برای سعادت و خوشبختی انسان‌ها در زندگی است. حضرت زهرا (علیها‌السلام) بنا بر معرفی حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بهترین الگو برای زنان در دنیا و آخرت هستند. این همان امری است که حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در مقایسه و معرفی دختر خود و حضرت مریم (علیها‌السلام) چنین می‌فرمایند: «اللَّهُ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَسَيِّدَةُ نِسَاءِ عَالَمِهَا قَالَ ذَاكَ مَرْيَمُ وَفَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْأُولَيِّينَ وَ الْأَخِيرِينَ» (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۱۱۳). الگوپذیری از سبک زندگی حضرت زهرا (علیها‌السلام) توصیه‌ای است که

ائمه معصومین (علیهم‌السلام) در زندگی خویش به کار گرفته‌اند، چنان‌که حضرت مهدی (علیه‌السلام) اسوه و الگوی خود را چنین معرفی می‌فرمایند: «وَفِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ لِي أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ» زندگی دختر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) الگوی شایسته‌ای برای من است (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۶۷)

۱. برخی مولفه‌های سبک زندگی فاطمی

اینک با توجه به ضرورت الگوپذیری از زندگی معصومین (علیهم‌السلام)، تاملی کوتاه و مجمل در برخی مولفه‌های سبک زندگی حضرت زهرا (علیها‌السلام) در جهت کاربست آن در زندگی فردی و اجتماعی ذکر خواهد شد.

۱-۱. خدا محوری و باور توحیدی

عقیده توحیدی، نخستین و موثرترین رکن اعتقادی هر فرد است. ایمان و عقیده توحیدی، ریشه سستی، پوچی و ناامیدی را می‌سوزاند و تلاش در جهت اعتلای جامعه به ارمغان می‌آورد. توحید مداری در تمامی ابعاد زندگی و سیره عملی حضرت زهرا (علیها‌السلام) نمود دارد. وصف امیرالمومنین از ایشان در اولین روز زندگی مشترک بیانگر بنای توحیدی سیره عملی حضرت زهرا (علیها‌السلام) است. امیرالمومنین (علیه‌السلام) در پاسخ به حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) درباره‌ی حضرت زهرا (علیها‌السلام) چنین است: «قَالَ نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۳۵۶) قابل توجه است که حضرت زهرا (علیها‌السلام) توجه به امور تربیتی و اخلاقی بر پایه‌ی توحید را در زمان سرگرمی نیز توجه داشتند؛ چنان‌چه حضرت زهرا (علیها‌السلام) در حین بازی با فرزندشان امام حسن (علیه‌السلام) چنین فرمودند: «أَشْبَهُ أَبَاكَ يَا حَسَنُ وَ أَخْلَعُ عَنِ الْحَقِّ الرَّسْنَ وَ اعْبُدْ إِلَهًا ذَا مَنْنٍ وَ لَا تُؤَالِ ذَا الْإِحْنِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۲۸۶) «پسرم حسن مانند پدرت باش و ریسمان ظلم را از حق باز کن، خدایی را پرستش کن که صاحب نعمت های متعدد است و هیچگاه با صاحبان ظلم و تعدی دوستس مکن»

۱-۲. ایثار

گزارش تاریخی و ماندگار از عملکرد

يَبْكِي فَقُلْتُ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ دَبَرْتَ كَفَاكَ وَ هَذِهِ فَضَّةٌ. فَقَالَتْ أَوْصَانِي رَسُولَ اللَّهِ صَ أَنْ تَكُونَ الْخِدْمَةَ لَهَا يَوْمًا وَ لِي يَوْمًا فَكَانَ أَمْسَ يَوْمِ خِدْمَتِهَا» (قطب الدین راوندی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۳۰) بنا بر توصیه حضرت رسول (ﷺ) بر تقسیم کار، آن روز نوبت فضا نبود و علیرغم سختی کار، حضرت زهرا (ﷺ) خود به امور منزل پرداختند.



خانواده امیرالمومنین (ﷺ) و حضرت زهرا (ﷺ) نشانگر ایشار به معنای واقعی کلمه است. آیات قرآن از سوره انسان که به خوبی حکایتگر واکنش سه روز از ایشار ایشان نسبت به مسکین، یتیم و اسیر است: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» (انسان/۸). حضرت زهرا (ﷺ) و اعضای خانواده همان اندک غذای خود را به نیازمندان بخشیدند. خداوند تعبیر ایشار از عملکرد ایشان را در سوره حشر چنین می‌فرماید: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (حشر/۹). ترجیح دیگران بر حق خود امری است که برخاسته از جهاد با نفس است که جلوه‌های متعددی در سیره ائمه معصومین (ﷺ) قابل مشاهده است.



۴-۱. حیا و عفت

حیا در مردان و زنان وجود دارد؛ اما نسبت حیا زنان به مردان نه برابر است. پیامبر اسلام در خصوص اهمیت و ضرورت وجود حیا در زنان چنین می‌فرماید: «الْحَيَاءُ حَسَنٌ لَكِنَّهُ فِي النِّسَاءِ أَحْسَنُ: شَرْمٌ خَيْرٌ مِنْهُ» (پابنده، ۱۳۸۲، ج ۲۰۰۶، ص ۵۷۸). به گفته یکی از دانشمندان اسلامی گرچه این خصلت اختصاص به زنان ندارد ولی زن سهم بیش‌تری در این‌باره دارد. رعایت عفت و حیا از جمله ارزش‌های اخلاقی و لازم برای زنان است که هر زنی می‌تواند با حفظ آن به برقراری نظم جامعه و بنیان خانواده کمک به سزایی کند.

یکی از نمونه‌های بارز از تجلی عفاف در زندگی حضرت زهرا (ﷺ)، رعایت عفت در مقابل فرد نابینا است: «قَالَ عَلِيُّ عِ اسْتَأْذَنَ أَعْمَى عَلَى فَاطِمَةَ عِ فَحَجَبَتْهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَ لَهَا لِمَ حَجَبْتِيهِ وَ هُوَ لَا يَرَاكَ فَقَالَتْ عِ إِنْ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَإِنِّي أَرَاهُ وَ هُوَ يَشْمُ الرِّيحَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَ أَشْهَدُ أَنَّكَ بَضَعْتِ مِئِي» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج

۳-۱. مسئولیت‌پذیری و تعهد

یکی از مسائل مهم در برقراری عدالت در هر عرصه، مسئولیت‌پذیری است. ظهور مسئولیت‌پذیری و تعهد در زندگی حضرت زهرا (ﷺ) در ابعاد مختلف قابلیت‌الگویابی دارد. یکی از این ابعاد، تعهد ایشان در زندگی مشترک با امیرالمومنین (ﷺ) است. حضرت زهرا (ﷺ) با توجه به تقسیم کار منزل میان خود و فضا، کاملاً بدان متعهد بودند و حتی با خستگی و رنجش از سختی کار هیچ‌گاه از مسئولیت خود شانه خالی نکردند: «أَنَّ سَلْمَانَ قَالَ كَانَتْ فَاطِمَةُ عِ جَالِسَةً قَدَامَهَا رَحِي تَطْجُنُ بِهَا الشَّعِيرَ وَ عَلَى عَمُودِ الرَّحَى دَمَّ سَائِلٍ وَ الْحُسَيْنُ فِي نَاحِيَةِ الدَّارِ

۴۳، ص ۹۱). امیرالمومنین (ع) می‌فرماید: «روزی حضرت زهرا (ع) در محضر رسول خدا نشسته

بود که مرد نابینایی اجازه‌ی ورود خواست. پیامبر مشاهده فرمود که حضرت زهرا (س) برخاست فرمود: «دخترم این مرد نابیناست.» پاسخ داد: «اگر او من را نمی‌بیند، من او را می‌نگرم [اگر چه او نمی‌بیند اما] بوی [عطر] مرا استشمام می‌کند!» رسول خدا پس از شنیدن سخنان دخترش فرمود: «شهادت می‌دهم که تو پاره‌ی تن من هستی.» افزودنی است که موارد متعدد دیگری همچون خشنودی ایشان از محول کردن کارهای بیرون از منزل به امیرالمومنین (ع)، نیز نمایانگر عفت حضرت زهرا (ع) است که به جهت عدم مجال ذکر حدیث نمی‌شود.

ص ۳۶۳) نتیجه‌گیری

حضرت زهرا (ع) با باور صحیح توحیدی، ایثار، تعهد و مسئولیت‌پذیری و رعایت عفاف و حیا الگویی کامل برای هر فردی از جامعه در جهت بهبود زندگی و شرایط جامعه هستند. زن به عنوان عنصر حیا و عفت در زندگی فردی و اجتماعی نقش موثری در سلامت جامعه دارد. اهمیت مقام زن در آموزه‌های اسلامی به تعدد ذکر شده است و در جهت حفظ آن، توصیه‌هایی کارآمد در تمامی ابعاد آمده است. آگاهی از سیره و منقولات حضرت زهرا (ع) در برخوردهای فردی و اجتماعی می‌تواند ما را در پیشبرد جامعه اسلامی سالم و مطلوب موفق بدارد.



۵-۱. ابراز محبت

ارتباط همدلانه و توجه عمیق میان اعضای خانواده می‌توان به مصادیقی از جمله درک احساسات اعضای خانواده، ابراز محبت و دوست داشتن، بازی و تفریح با فرزندان اشاره کرد. حضرت زهرا (ع) به همسر و فرزندان محبت ویژه می‌کردند که نمونه‌هایی از آن در کتب ثبت شده است. آن محبت و حسن خلق به گونه‌ای است که موجب خشنودی امیرالمومنین (ع) بودند و موجب برطرف شدن غم و اندوه از امیرالمومنین (ع) بودند: «قَالَ عَلِيُّ ع فَوَ اللَّهُ مَا أَغْضَبْتُهَا وَلَا أَكْرَهْتُهَا عَلَيَّ أَمْرَ حَتَّى قَبَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ وَلَا أَغْضَبْتَنِي وَلَا عَصَتْ لِي أَمْرًا وَ لَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنْكَشِفُ عَنِّي الْهَمُّومُ وَ الْأَحْزَانُ قَالَ عَلِيُّ ع» (اربعی، ۱۳۸۱، ج ۱،



فهرست منابع

- قرآن کریم
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۷۶)،
الامالی، تهران، نشر کتابچی.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی
(۱۳۷۹)، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم،
نشر علامه.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱)، کشف الغمه
فی معرفه الائمه، محقق سید هاشم محلاتی،
تبریز، ناشر بنی هاشمی.
- ایروانی، جواد (۱۳۸۷)، فرهنگ روابط اجتماعی
در آموزه های اسلامی، مشهد: دانشگاه علوم
اسلامی رضوی.
- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). نهج الفصاحه. تهران:
دنیای دانش.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳)، الاحتجاج علی
اهل اللجاج، مشهد، نشر مرتضی.
- قرائنی، محسن و علی محمد متوسلی (۱۳۹۳)،
سبک زندگی اسلامی بر اساس تفسیر نور،
تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳)،
بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی.



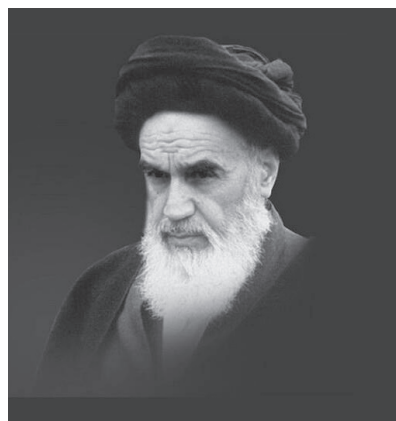
سیده محبوبه کشفی
دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث
دانشگاه شیراز



رسالت زن در حقوق مدن، فقه اسلامی واندیشه امام خمینی (رحمة الله عليه)

چکیده

زن به عنوان مظهر جمال الهی در تفکر امام خمینی با مفاهیمی ارزشی چون آزادی، عفت، کرامت، مبدأ خیرات، شجاعت و ... پیوند داشته و در تعیین سرنوشت خود و جامعه‌ی خویش بسیار تأثیرگذار است. جایگاه زن در اندیشه‌ی حضرت امام خمینی (رحمة الله عليه) نه در مقابل مرد بلکه در کنار او، عهده‌دار مسئولیتی شگرف در تمام شؤون زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی است. صرف نظر از دوره‌ی کوتاهی در صدر اسلام که منزلت حقیقی زن توسط پیامبر اسلام و ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام)، احیا گردید، در سایر ادوار تاریخ، زن جایگاه و ارزش واقعی خود را ندارد. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که دیدگاه‌های حضرت امام (رحمة الله عليه) تنها در خصوص حضور زن در اجتماع دارای فراز و فرود بوده به گونه‌ای که در برهه‌هایی از تاریخ پهلوی حضور زن نامطلوب شمرده شده اما حرکت‌های انقلابی زنان در سال‌های شکل‌گیری نهضت اسلامی و جنگ تحمیلی مبارک تلقی می‌شود. این نگرش اثر شگرفی بر حضور اجتماعی زنان در بعد از انقلاب ایجاد می‌کند. هدف از این مقاله که به شیوه توصیفی و کتابخانه‌ای از مجموع آثار حضرت امام خمینی (رحمة الله عليه) است، بازشناساندن هویت و منزلت زن مسلمان از دیدگاه بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی ایران و نتایج عملی آن از حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی است.



فلسفه وجودی زن

عبودیت و کمال: در فلسفه آفرینش زن

به عنوان یک انسان، می‌توان عبودیت و رسیدن به کمال را به عنوان فلسفه وجودی برای او طرح کرد، خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات/۵۶) چرا که واژه انس در این آیه زن و مرد را در بر می‌گیرد.

بقای نسل بشر: دستگاه آفرینش برای

حفظ بقای خود نیازمند حفظ بشر و تولید نسل است؛ یعنی همکاری و تعاون مرد و زن. این هدف هم خلقت مرد در برابر زن را و هم خلقت زن در برابر مرد مدنظر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، دو جنسی بودن آفرینش انسان به منظور حفظ نسل بوده است. بنابراین زن و مرد مکمل یکدیگر و مایه شکوفایی و پرورش یکدیگر هستند، به گونه‌ای که هر یک بدون دیگری ناقص است. برای آنکه این طرح عملیاتی شده و جسم و جان آنها بهتر به هم بیونند، تفاوت‌های جسمی و روحی در میان آنها قرار داده شده است و همین تفاوت‌هاست که آنها را بیشتر به یکدیگر جذب می‌کند. اما این جذب و علاقه بین زن و مرد مانند علاقه به اشیا نیست که از خودخواهی ناشی می‌شود. یعنی انسان اشیا را برای خود می‌خواهد و می‌خواهد آنها را فدای آسایش خود کند. اما علاقه زوجیت به این شکل است که هر یک از آنها سعادت و آرامش دیگری را می‌خواهد. این همان چیزی است که قرآن کریم از آن به نام‌های «مودت و رحمت» یاد کرده است.

آرامش و مودت: فلسفه سوم را می‌توان

رسیدن به آرامش و مودت دانست، که در این آیات به آن اشاره شده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم/۲۱) و همچنین آیه «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (اعراف/۱۸۹). خدای سبحان زن را برای آرامش مرد آفرید، چنانچه

آفرینش مرد در سایه سکینت با همسر معنا می‌یابد و مرد به تنهایی یا زن به تنهایی آرامش و مودت را درک نمی‌کند و خداوند از خلقت این دو جنس، این هدف مهم را مدنظر قرار داده است. در واقع ازدواج موجب آرامش زن و مرد می‌شود، نه اینکه فقط زن موجب آرامش و سکونت مرد شود. ولی شیوه قرآن کریم در بیان این امور عقیقانه و مودبانه است؛ به طور مثال، برای رعایت ادب در هیچ آیه‌ای به زن‌ها مردهای بهشتی را وعده نداده، در حالیکه آنها هم از این نعمت برخوردارند و در بهشت همسرانی دارند. بنابراین درباره آرامش زن و مرد هم ادب و هم حرمت خانوادگی یادآور شده و پاس داشته شده است.



زن در فقه و عقاید شیعه

جایگاه زن از منظر اعتقادی، حقوقی شیعیان و همچنین جایگاه اجتماعی زن را در جوامع شیعی چه در بستر تاریخی آن و چه در وضعیت کنونی، باید در چارچوب کلی همین جایگاه در منظومه فکری، حقوقی و دینی دیانت اسلامی به طور عمومی مورد مطالعه قرار داد. با این وصف در برخی جزئیات میان آنچه دستگاه فکری و دینی شیعی خوانده می‌شود و یا آنچه از نقطه نظر اجتماعی و عملی در جوامع شیعی در جریان است، با پیش زمینه کلی اسلامی آن تفاوت‌ها و تمایزهای روشنی وجود دارد. این تمایزها صرفاً به مسائل الهیاتی و یا حقوقی

متون اصلی دینی در اسلام از زن ارائه می‌دهند تصویر است از پاک‌ی و طهارت زن که می‌تواند همسان مرد و نه فروتر از او فریب ابلیس را بخورد و یا آلوده به گناه شود. این امر البته در مورد حقوق اجتماعی متفاوت است و زن و مرد از نقطه نظر قرآن و یا تعالیم اسلامی از وظایف متفاوتی برخوردار هستند.

فقه شیعی یکی از امتیازات خود را در برابر فقه اهل سنت در این می‌داند که اجتهاد نوین در فقه ممکن است. اگر فقیهان شیعه این اعتقاد خود را در مسئله زن بخواهند همه جا مورد عمل قرار دهند، هنوز موارد بسیاری است که در فقه اسلامی مسئله زن نیازمند بازبینی و تجدید نظر است؛ ضرورتی که یکی از محک‌های اصلی و چالش‌های بنیادین تقابل میان دو نوع تفکر اندیشه متجددانه از اسلام و تفکر بنیاد گرا و مرتجعانه از اسلام خواهد بود.

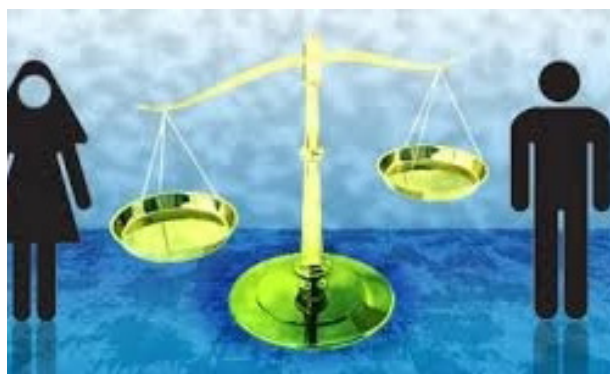


نتیجه‌گیری

هر فرد یا جمعیتی براساس آرمان‌ها و اهداف خود، مسیری را برای تحقق آرمان‌ها می‌گذرانند و در این مسیر افراد با ایفای نقش‌های جدید به تغییرات اجتماعی به سمت اهداف پاسخ می‌دهند. در جامعه ایرانی نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی، زن به عنوان یکی از عناصر اصلی در فرآیند حصول تمدن نوین مطرح شد. به عبارت دیگر، انقلاب اسلامی به عنوان نقطه انکشاف تمدن اسلامی در تاریخ تکامل اجتماعی مبتنی بر فلسفه تاریخ الهی و شیعی جهت تحقق

متکی و مستند نیست؛ زمینه‌های تاریخی و اجتماعی متفاوت بسیار مؤثر است. به ویژه اگر این نکته را مد نظر قرار دهیم که دست کم چند صد سال است که شیعیان عمدتاً در ایران متمرکز هستند. و اساساً به طور کلی فرهنگ و تمدن ایرانی (حتی زمینه‌های پیشاسلامی آن) در تشیع و مفاهیم و باورهای اعتقادی، حقوقی و بازتاب‌های اجتماعی سیاسی آن بسیار تأثیر گذار بوده است؛ در حالی که عموماً بخش اعظم مسلمانان یعنی مذاهب و مکتب‌های اعتقادی وابسته به اهل سنت و جماعت عموماً در کشورهای عربی، ترک زبان و یا در آسیای دور در مالزی و اندونزی حضور دارند. بنابراین، مسئله مهمی مانند زن و جایگاه اجتماعی زن در جامعه می‌تواند به‌طور مستقیم تحت تأثیر عوامل محیطی، اجتماعی، سیاسی، باورها و سنت‌های محلی باشد. یکی از عوامل تأثیرگذار در این زمینه، سهم باورهای عامیانه مذهبی و ملی، ادبیات فولکلور و آگاهی‌های جمعی هر قوم و ملتی است.

اگر از فرهنگ دینی مسلمانان و متن مقدس قرآن کریم آغاز کنیم، بی تردید باید بر این نکته تأکید کرد که زن از دیدگاه قرآن، همسان مرد است. زن سهمی بالاتر از مرد و یا کمتر از او در برخورداری از ایمان به خداوند



و یا پرستش او و در انجام برخی از آیین‌های عبادی مانند نماز ندارد. زن همانند مرد طبق آنچه در قرآن مورد تأکید قرار گرفته بر اساس فطرت الهی به دنیا آمده است. تصویری که

فهرست منابع

- قرآن کریم
- صحیفه امام خمینی (علیه السلام)
- زینب، یاسری، نفیسه، اخوان نیلچی (۱۳۹۷)، «تبیین الگوی مفهومی نقش آفرینی زنان در تحقق تمدن نوین اسلامی»، شماره ۲، ص ۱۳۳-۱۵۷.

آرمان‌ها و اهداف مطلوب خود ناگزیر از توجه به موضوع زنان می‌باشد؛ زیرا رسالت تاریخی زنان به معنای حضور آنان، تغییر ارزش‌ها، ارتقای تفکر و تعالی جامعه به شمار می‌رود.



احمدرضا پوردرویش محمدی
دانشجوی کارشناسی فقه و مبانی حقوق
دانشگاه شیراز



بی‌نمازی نسل جدید؛ واغست یا توهم؟

دارودرمانی یا حراحی فوری؟

خواهد کرد. و چه بسا، اثبات این فرضیه‌ها تکانه‌ای در تبیین و راهبردهای جاری نهادهای فرهنگی در حل مشکل بی‌نمازی را رقم زند. ابتدا باید به این نکته توجه داشت که برخلاف برخی شانتاژهای تبلیغاتی و ادعاهای عوام پسند در مجموع باید گفت به طور قطع، فضای مهیا شده در بستر نظام جمهوری اسلامی نقش مثبتی در توسعه دینداری عموم مردم و به ویژه جوانان و نوجوانان داشته است. این مهم در مقایسه فضای دین‌داری کشورمان با موج شریعت‌گریزی و حتی خداناباوری در جهان غرب و جهان اسلام قابل تایید است. اگر حتی معتقد به کاهش درصد نسل جدید نمازخوان نسبت به قبل از انقلاب باشیم، به طور قطع بی‌نمازی نسبت به فضای بیرونی کشور شیئی بسیار ملایم‌تر را طی کرده است و این خود مویذ توفیق نظام اسلامی در بسط دینداری است. بنابراین، اگر ادعا شود که ناکارآمدی سیاسی و اقتصادی نظام سبب بی‌نمازی جوانان شده است، این امر ثبوتاً و اثباتاً قابل پذیرش نیست.

در خصوص بحران بی‌نمازی نوجوانان و جوانان، آمارهای رسمی چندان پردامنه و مستمر در اختیار عموم قرار نگرفته و اجازه رصد و توصیف دقیق مسأله را سلب می‌کند؛ گاهی مجموع نمازخوان‌ها را بدون تمایز میان پیر و جوان را معیار قرار گرفته و از این جهت پاسخ

بی‌نمازی یا کاهل نمازی به یکی از دغدغه‌های جدی حاکمیت، متولیان دینی و به ویژه خانواده‌های متدین بدل شده است. شاید زمانی فاصله گرفتن نوجوانان و جوانان از اصول دینی، انقلابی و انحرافات سیاسی پر رنگ‌ترین دغدغه معرفی شده و چاره‌اندیشی برای آن، اولویت اصلی نهادهای دینی و فرهنگی تلقی می‌شد. اما متأسفانه امروزه عدم یا ضعف دین‌ورزی و مهمترین نماد عملی آن یعنی اقامه نماز، بر آن پیشی گرفته است.

در این جا دو سوال اصلی مطرح می‌شود که همچنان هم پاسخ‌های ضد و نقیضی از سوی کارشناسان به آن داده می‌شود؛ نخست اینکه آیا در دنیای واقع، ما با بحران جدی بی‌نمازی نسل جدید مواجه هستیم یا نه؟ و دیگر این که فارغ از تحدید گستره بحران در فضای جدید جامعه، درمان درد جانکاه بی‌نمازی چیست؟ چه کارها باید کرد و چه کارها نباید کرد. اقتضایات ترویج نماز در ساحت کنونی با فضای نسل دیروز چه تفاوت‌هایی دارد؟ و عدم عنایت به این تمایزات چه آسیب‌هایی را رقم خواهد زد؟

بی تردید، پاسخ به هر دو سوال مجالی موسع در همه ساحات مرتبط از جمله تبیین معرفت‌شناسانه جامعه شناسانه و روانشناسانه را طلب می‌کند، اما نگارنده فرضیه‌های محتمل و قوی به اجمال در پاسخ به این دو سوال مطرح

دین‌مدار، با تاسف فرضیه بحران بی‌نمازی نوجوانان و جوانان را قوی‌تر از نقیض آن تصویرسازی می‌کند و اگر بتوان آن را فرضی درخور توجه در نظر گرفت، فوریت پاسخ به سوال دوم و اتخاذ راهبردهای جدی تر و ضربتی روشن می‌شود.

اینک، با این بحران چگونه باید تعامل کرد؟ به نظر مفروض گرفتن این بحران و دغدغه‌مندی همه ارکان نظام؛ منتج به بسیج نمودن همه امکانات فرهنگی هنری و رسانه‌ای نظام اسلامی در این راستا خواهد شد. چرا که نماز به عنوان حد فاصل کفر و ایمان عملی نمی‌تواند در نمادسازی و نمودآفرینی دین‌ورزی

دقیقی به پرسش ما داده نمی‌شود، زیرا که بیشتر بودن نرخ نمازخوانی نسل قدیم از نسل جدید امری مبرهن است. دیگر اینکه توصیف شرایط فعلی به بحران، بسته به تعریف ما از بحران و گستره آن است؛ به طور مثال، سی درصد جوانان بی‌نماز و یا کاهل نماز می‌تواند در یک جامعه سکولار طبیعی باشد. اما همین میزان در یک حاکمیت دینی، امری بحرانی و جدی تلقی گردد. از طرفی دیگر، گاه آمارها به جوانان و نوجوانان محصل و دانشجو تقلیل یافته است و این موجب می‌شود که فضاهای فرهنگی و اجتماعی مغفول واقع شود. در مجموع، به نظر فرآیند آسیب‌شناسی



بدیلی برای متولیان دینی بیابد. شاید غفلت یا خدای نکرده تغافل نسبت به بحران طاقت سوز بی‌نمازی نسل جدید بوده است که به جای کار رسانه‌ای برای دعوت به اصل نماز و روزه برای جوانان، تبیین هنری و طنزآمیز احکام شرعی - که فرع بر اصل بوده و البته در جای خود بسیار مطلوب

و چاره‌اندیشی محتاج به یک نظام و سیاق آمارگیری علمی و مستمر است که ضرورت آن دست کم برای جامعه نخبگانی و فضای کارشناسی اجتناب ناپذیر است. با وجود موانع مذکور، استمزاج گسترده و استقرای اجتماعی مستمر نگارنده به ویژه در مناطق متدین و اصالتا

نشنیده‌اند و معذور هستند و برخی نخواستند در زمین خدا بازی کنند، به سنت املا و استدراج مهمل هستند و واگذار شده‌اند. بنابراین، زندگی به ظاهر آسوده و دل بی‌هم و غمشان محظوری در رویکرد دینی ندارد.

اجتناب از راهبردهای سلبی از دیگر ضروریات مهم فضای فعلی است که در چارچوب اصل دینی و عقلایی تدرج و تفکیک بایست پیگیری شود. گاه نوجوانان یا جوانان به سبب سیطره فضای رسانه‌ی مسموم، ظرفیت پذیرش مبانی مترقی انقلاب را در برهه‌ای خاص ندارند و سرکوفت زدن به این قشر نه چندان معدود گاه آن‌ها را از تقید به اصول تخلف‌ناپذیر دین همچون نماز و روزه محروم خواهد نمود. باید به این قشر فرصت داد تا در پرتو اصل تدرج که در فقه‌التربیه مورد تاکید قرار گرفته است و با فرهنگ‌سازی و ظرفیت‌سازی همراه است، به اصول مترقی نظام اسلامی نیز معتقد گردند.

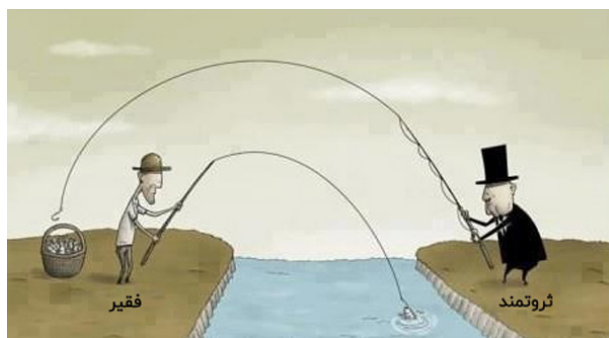
مبنای تفکیک میان اساس دین و ضروریات آن در تاریخ صدر اسلام نیز محقق گردید؛ جایی که امام علی (ع) به مصلحت حفظ اساس دین، کنار زدن پاره‌ای از بدعت‌های آشکار را به تعویق انداخته و آن را موکول به فضایی مناسب و بی‌آسیب نمود.

لذا به جوانانی که احیاناً اهل نماز و روزه‌اند، اما کم و بیش با اصول مترقی نظام اسلامی زاویه دارند؛ باید مبتنی بر اصل تفکیک و تدرج فرصت ظرفیت‌سازی و شبهه‌زدایی داده شود و به بهانه عدم تمامیت اعتقادی، بهای سنگین بی‌نمیزی آن‌ها را نپردازد.

«عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»
(ممتحنه / ۸)

و موفق - اولویت اصلی برنامه‌سازان رسانه ملی قرار گرفته است. غافل از مخاطب این جنس برنامه‌ها که عمدتاً نسل مأنوس با زیست فقیهانه است و نه بخشی از نسل جدید همسو با دین‌مداری عرفی گرایانه.

نکته مهم دیگر، کار فرهنگی و رسانه‌ای گسترده در رفع محکمتات و اصول شبهات شایع و سست فضای مجازی است؛ ابطال مستمر شبهات (ولو پرحجم و تکراری) در فضای رسانه‌ای غیرمنصفانه و پربسامد کنونی امری ضروری و شفافبخش برای ویروس‌های شبهه افکن اذهان عوام است و نباید ساده‌اندیشانه از آن شانه خالی کرد. چنان که قرآن کریم با تطبیق اصل تصریف‌القول و بیان یک مطلب در قالب‌های گوناگون، انگیزاننده‌ی انقلاب فکری و عاطفی در عقول و قلوب بشری است.



به طور مثال، شبهه شایع خلط میان انگیزه و انگیزه؛ بد دینداری کردن برخی از ما ربطی به بد بودن دین و مناسک دینی ندارد و دلیلی موجهی برای بی‌نمیزی نیست. این شبهه در نگاه اول سست و بی‌پایه می‌نماید، اما گستره و دستمایگی پر دامنه آن در فتنه انگیزی دین ستیزان بی‌بدیل است.

نمونه‌ای دیگر شبهه زندگی خوب بی‌نمازها و بی‌دین‌ها؛ پاسخ روشن این‌که قواعد دین برای کسانی اجرا می‌شود که برای‌شان اتمام حجت شده و در زمین خدا بازی می‌کنند. برخی بالاساس حرف دین را



دکتر حمید ایماندار
عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز



گفتگویی با سر آمد فرهنگی دانشگاه شیراز پیرامون زیست عقیفانه جوانان در دنیای مدرن

مصاحبه

در مورد دانشجویان دختر باید گفت تعاملی که من دارم، هنوز هم تعدادی دغدغه فرهنگ دارند و اتفاقاً بیش از نسل ما در حال کار کردن هستند. پس، نباید گفت نسل جدید در حوزه فرهنگ ضعیف هستند بلکه تعدادی دغدغه فرهنگ و کار فرهنگی دارند و عده ای هم متأسفانه در حوزه فرهنگی ضعف دارند و میلی به فعالیت‌های فرهنگی ندارند و من علت اصلی را تغییر در سبک زندگی می‌دانم.

سبک زندگی جوان امروز به گونه‌ای پیش رفته است که به خصوص با مسمومیت‌های فکری و اعتقادی که دشمن ایجاد کرده است، نوعی بی‌اعتمادی و ناامیدی را در جوان امروز به وجود آورده است و همین شاید سبب بی‌انگیزگی جوانان باشد. باید سبک زندگی مصرف‌گرا و لذت‌گرا را از بین برد تا بتوان در جوان انگیزه ایجاد کرد.

چگونه می‌توان رغبت و میل دانشجویان را به فعالیت‌های فرهنگی و علمی افزایش داد؟
در مورد افزایش میل جوانان اگر ما بتوانیم ایمان و امید را در این عزیزان زنده کنیم، کار فرهنگی می‌شود. اولویت آن‌ها شاید بهترین کار امروز ایجاد امید در یک دانشجو باشد، دانشجویی که غافل از دستاوردهای کشورش، غافل از پیشرفت کشور است و اعتماد به نفس ندارد، امیدی به آینده ندارد پس میلی به انجام کار فرهنگی هم وجود ندارد.

لطفا جهت آشنایی بیشتر مخاطبان نشریه، پیشینه علمی و فرهنگی خود را توضیح بفرمایید.

با سلام و احترام
قاسم نژاد هستم، عضو هیات علمی دانشکده الهیات بخش علوم قرآن و فقه. مدیر برنامه ریزی فرهنگی و اجتماعی دانشگاه و مشاور امور زنان و خانواده ریاست محترم دانشگاه شیراز.

سرکارخانم دکتر قاسم نژاد، شما بانوی موفق از نظر علمی و فرهنگی هستید، با توجه به تجربه‌ی شخصی چگونه یک زن علیرغم فعالیت علمی و فرهنگی می‌تواند نقش همسری و مادری خود را ایفا کند؟
نقش همسری و مادری در فطرت هر زن است که فقط لازم است انسان به فطرت خود بازگردد. هر زنی که به فطرت اصیل خود توجه نماید، هیچ امری را مهم‌تر از تربیت فرزند نمی‌بیند. اما نقش همسری و فردی همان نقش اجتماعی زن است که برای پرورش نسل آینده انجام می‌دهد و اتفاقاً این امر زن را برای حضور فعال و دغدغه‌مند در اجتماع و جامعه بشری آماده‌تر می‌کند.

با توجه به تعاملی که با دانشجویان دختر دارید، علت ضعف فرهنگی و کاهش میل به فعالیت‌های فرهنگی را چه می‌دانید؟

در حالی که کافیه فقط یک بررسی ساده از زنان واقعا موثر در اجتماع غرب داشته باشیم تا ببینیم حتی آن‌ها هم زیست عفیفانه رمز موفقیتت‌ان بوده در حالی که نام این افراد را رسانه‌ها به گوش جوانان ما رسانده‌اند.

چگونه دانشجویان دختر در جامعه ی حاضر و عصر مدرن می توانند با حفظ زیست عفیفانه، فردی موفق باشند؟

اما زیست عفیفانه این فطرت هر دختر و زنی است و ربطی به دوران قدیم و مدرن ندارد تنها راه موفقیت به معنای واقعی کلمه، حفظ کرامت، عفت و حیای زن است و در ورای این پیشرفتی وجود ندارد.

زمانی که دختر ما عفت حیای خود را از دست دهد، احساس بی‌ارزشی می‌کند و اعتماد به نفس و آن غرور زنانه را از دست خواهد داد و این به تدریج بی‌هدفی و بی‌انگیزگی را بیشتر می‌کند.

در صورتی که زیست عفیفانه حضور با حیای زن در عرصه‌های اجتماعی است که حضورش در اجتماع نماد قدرت و تغییر و تحول است بدون کمترین جاذبه جنسی و اینجاست که زن با زیستی عفیفانه نقش اجتماعی خود را ایفا کرده است.



زهرا قاسم نژاد
عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

مولفه‌های زیست عفیفانه را در مواجهه با تهاجم فرهنگی چه مواردی را معرفی می‌فرمایید؟

اما مولفه‌ها، برای زیست عفیفانه نگرش و تفکر افراد از مولفه‌های اساسی است.

مولفه دوم، عزت نفس است.

مولفه سوم، شناخت حقیقت زندگی و داشتن هدف در راستای حقیقت زندگی.



سیده محبوبه کشفی
دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث
دانشگاه شیراز

در پایان ضمن تشکر از صحبت‌های ارزشمندتون، بهترین راهکار برای نسل امروز رو توضیح بفرمایید؟

نسل امروز متاسفانه خوشبختی و موفقیت را در چهره زنان غربی می‌بیند که رسانه‌های بیگانه معرفی می‌کنند.

معرفی کتاب

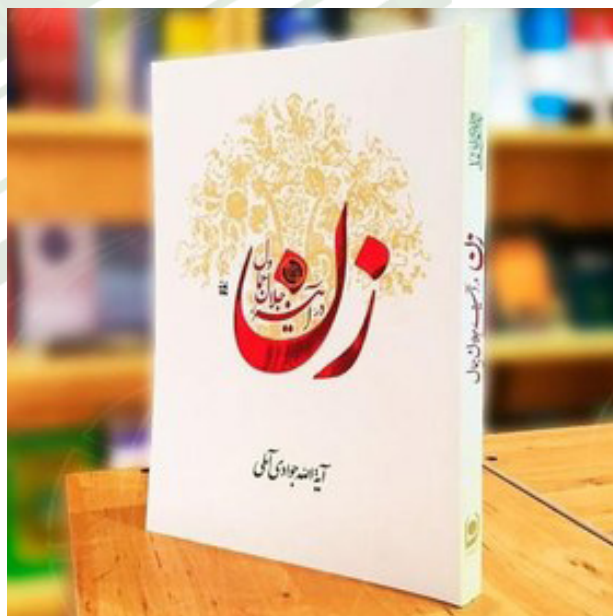
کتاب «زن در آینه جلال و جمال» با هدف تحلیل واقع‌گرایانه از شخصیت زن و موقعیت فردی و اجتماعی زن در چهار بخش را با عناوین «زن در قرآن»، «زن در عرفان»، «زن در برهان» و «پاسخ به شبهات» تنظیم شده است که فصل آخر یکی از فصل‌های مفید مطالعه جهت مخاطبان در پاسخگویی به شبهاتی است. از جمله شبهات تبیین شده در این فصل را می‌توان به مواردی همچون تصدی زن در امور اجرایی، استقلال و وابستگی زن، زن و مدیریت خانواده، زن و دیه متفاوت، انتساب سیادت، شبهه نقوص عقل زنان و ... اشاره کرد.

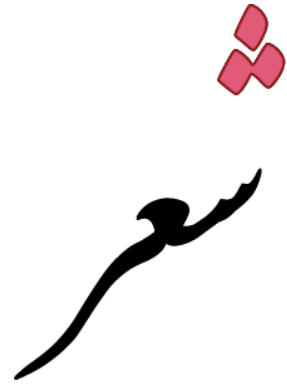
در دنیای مدرن امروز با دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به زن مواجه هستیم که از جمله آن می‌توان به نگاه تساوی میان زن و مرد و فمینیسم اشاره کرد. آیه الله جوادی آملی در کتاب «زن در آینه جلال و جمال» به خوبی مسئله تساوی میان زن و مرد را تبیین کرده است. این کتاب حاصل مجموعه درس‌های آیه الله جوادی آملی در مرکز دینی و فرهنگی جامعه الزهرا قم برای محصلان آن مرکز بوده است که به جهت ضرورت مسئله، به صورت کتاب تدوین و منتشر شده است؛ که انتشارات اسراء با تحقیق و تنظیم محمود لطیفی در سال ۱۳۸۶ منتشر کرده است.



سیده محبوبه کشفی

دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث
دانشگاه شیراز





هدیه‌ی بی نظیر

زن ای ریحانه‌ی خوشبوی خلقت
وجودت هده ای سرشار رحمت

به نیکی‌ها عجین کردی تو خود را
جهان در وصف مه‌رت شد هم آوا

عفی‌فی تو، نگاهت پاک و ناب است
جزای‌ت نزد خالق، بی حساب است

شکیبایی، پر از نور و امیدی
در اوج رنج‌ها همچون نویدی

غرور تو، وقارت را عیان کرد
تو را از چشم ناهلان نهان کرد



زهرا شمشیری، دانش‌آموخته کارشناسی
رشته حقوق دانشگاه شیراز

عَمْرٍو